

Sr. No. of the Question Paper : 343

Unique Paper Code : 209351

Name of the Paper : Prose and Translation (Paper III)

Name of the Course : B.A. (Prog.) Persian (Discipline)

Semester : III

Time: 3 Hours

Marks: 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this Question Paper)

**Note:** Unless otherwise required in a question, answers may be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1- Translate any two of the following passages into English or Hindi or Urdu: 30

از متون زیر دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

در آن زمانها بانک و حساب پس انداز و این چیزها وجود نداشت و هر که نقدینه‌ای داشت که نگهداری‌اش دشوار بود یا آن را در محلی پنهان می‌کرد که گاه به صورت گنج باقی می‌ماند. یا به کسی که مورد اعتماد بود به امانت می‌سپردند و سند یا شاهد می‌گرفتند. در نزدیک قهوه‌خانه‌ای که در آن غذا می‌خورند و آشنا شده بودند. پیرزنی خانه داشت که مردم محل او را به امانتداری و درستکاری می‌شناختند. پولشان را پیش او امانت گذاشته و شرط کردند که هر وقت خواستند پس بگیرند باید سه نفری باهم باشند و اگر همراه نباشند پول را به هیچ کدام تنها ندهد، صاحب قهوه‌خانه هم شاهد بود.

(B)

سرانجام، سواران ترک او را به بند کشیدند و همراه خود به سرزمینشان بردند. ساعتی گذشت، رستم از خواب بیدار شد و در بیابان چشم انداخت؛ به همه سو نگریست، هیچ چیز پیدا نبود، باز چشم خویش را به دور دست دوانید؛ نگاه خسته و جستجو گرش؛ به تلاش پرداخت. همه چیز عجیب بود! برای رستم، و از همه عجیب‌تر، جای خالی رخس بود. اما هیچگاه، جای خالی رخس رستم را به این حال و روز نینداخته بود. دیگر این حیرت نبود؛ خشم بود که سراسر وجودش را فراگرفته بود. جای رخس، این بار خالی‌تر از همیشه نشان می‌داد. رستم کم کم به خود می‌آمد و چشمهایش، نرم نرم به روی آنچه روی داده بود، باز می‌شد. فشار و نیرویی عجیب از درونش قامت برمی‌کشید.

(C)

یکی از این سه نفر علاوه بر تجربه پیله‌وری با کار بنائی و خانه‌سازی هم آشنا بود ولی دومی و سومی در جوانی هیچ کاری یاد نگرفته بودند.

در شهر غریب شب اول را در قهوه‌خانه‌ای بسربردند و فردا صبح بعد از خواندن نمازشان در جستجوی کار به میدان وسط شهر رفتند. در آنجا صبح‌ها کارگران ساختمان جمع می‌شدند و کسانی که بنا و کارگر می‌خواستند آنها را بر سر کار می‌بردند.

آن روز یکی آمد و یک بنای کاردان می‌خواست و رفیق اولی رفت سر کار. اما دومی و سومی که کاری بلد نبودند بیکار ماندند. مرد کارگر زرنگ و زحمتکش بود. شب مزد قابلی گرفت صاحب کار سفارش کرد که فردا صبح زودتر بیا.

2- Rewrite the following passage into your own simple Persian: 15

عبارت زیر به زبان فارسی ساده بنویسید:

سرگذشت دوران تاریخی زبان فارسی در شبه قاره هندوستان ازین قرار بود که باجمال گفته شد. این نهال سرسبز که از سرچشمه فیض سرمدی آب خورده و دست باغبان ازل همواره آن را با راستگی و زیبایی تربیت فرموده در این کهنه کشتزار از بهره طراوت و خرمی برخوردار گشت و مادام که مسلمانان هند پا بست حفظ آیین خود باشند در زیر سایه این درخت برومند رخت سعادت خواهند نهاد و از اثمار لطیفه آن مذاق جان را شیرین خواهند کرد زیرا که زبان فارسی برای ایشان نه تنها زبان شعر و ادب است بلکه لسان دین و مذهب و وسیله هدایت و ارشاد و راهنمای سعادت معاش معادی می‌باشد. امید که طوفان حوادث او را از آسیب زمان نگاه دارد و تندباد خریف تعصب و جاهلیت بر اوراق سرسبز آن رنگ خشکی و زردی نیاورد.

3- Write a summary on any one of the following: 10

خلاصه یکی از موضوع‌های زیر را بنویسید:

۱. عیدی.
۲. کودک هوشیار.
۳. زبان فارسی در هند.

4- Write a short note on any one of the following: 10

گزارش مختصری درباره یکی از عنوان‌های زیر بنویسید:

۱. فردوسی مشهدی.
۲. محمد حجازی.
۳. علی اصغر حکمت.

5- Translate the following sentences from English to Persian:

10

جمله‌های زیر را به زبان فارسی ترجمه کنید:

1. Tehran is the capital of Iran.
2. Sania is a good player of tennis.
3. Persian is a very sweet language.
4. His mother cooks good food.
5. Write a letter to your sister.
6. She is not well.
7. My books are in my bag.
8. The black cat is in the room.
9. I have taken my lunch.
10. This is my school.